



تحریم بیشتر ایران را تسلیم نمی‌کرد



کار آسان رئیس جمهور بعدی!

حسین قدیانی

بدعتی این دولت نهاده که دیر نیست گریبان خودش را بگیرد. کدام بدعت؟ همین که بعد از ۳ سال استقرار در قوه اجرا، هنوز هم از زیر بار پاسخگویی فرار می‌کند و تقریباً همه مشکلات را می‌اندازد گردن دولت قبلی! شگفتا! وارد سال آخر دولت یازدهم شده‌ایم اما همچنان آقای روحانی و شرکا به جای جوابی درست و درمان به دهها بلکه صدها سؤال مردم و اصحاب نقد انگشت اتهام را روانه دولت قبل می‌کنند! ناگفته پیداست که دولت قبلی مثل همه این دولت‌ها محسنتات و معایبی داشته یا بهتر بخواهیم بگوییم؛ محسنتات ویژه و معایب ویژه‌ای داشته که خدا را شکر به شهادت مندرجات‌مان در همین روزنامه، هم معایب آن را نقد کرده، هم محسنتات را برشمردیم، لیکن فی‌الحال وارد آخرین سال دولت یازدهم شده‌ایم و خوب است آقای روحانی و شرکا هر ساعت صبح که از خواب بلند می‌شوند همین مختصر را در گوش خود زمزمه کنند که «وارد آخرین سال دولت یازدهم شده‌ایم» و اصلاً حالت خوشی ندارد که هنوز هم مثل نخستین ماه‌های دولت اعتدال، توپ تقصیر را شوت کنیم در زمین دولت ماضی! این بازی اما اشکناک دارد و سرکشستنا! آنجا که رئیس جمهور بعدی هم می‌تواند مثل آقای روحانی و شرکا، علی‌الدوام از جواب طفره برود و هرچه از او سؤال پرسیدی، کم‌کاری و کج‌کاری همین دولت فعلی را به رخ خلق الله بکشد! باور بفرمایید کار از غبطه و حسرت گذشته است! گاهی رسماً حسادت می‌کنم به آسانی و سهولت کار دولت بعد، اگر که قرار است مثلاً رئیس‌جمهور آن دولت، همین رویه جناب روحانی را پیش بگیرد از او سؤال خواهیم کرد درباره رکود، جواب خواهد داد: «مقصر رکود من هستم یا قبلی‌ها که ۴ سال تمام خوردند و خوابیدند و بی‌سابقه‌ترین رکود ممکن را باعث شدند؟!» از او سؤال خواهیم کرد درباره مسکن، جواب خواهد داد: «بروید اظهارات آقای آخوندی درباره مسکن مهر را بخوانید و لذت ببرید از این همه بد و بیراهه!» از او سؤال خواهیم کرد درباره بیکاری، جواب خواهد داد: «دولت اعتدال در باب اشتغال، ویرانه‌ای برای ما باقی گذاشته که تنها می‌توانم ابراز شرمندگی کنم!» چند ماه، بلکه چند سال صبر می‌کنیم و باز، همین سوالات را تکرار می‌کنیم، دوباره با همان پاسخ‌ها مواجه می‌شویم! و تازه کلی چیز هم روش! کلی چیز مثل «حقوق نامتعارف به شکل انبوه و گسترده و رویکردی، از دولت اعتدال کلید خورد!» مثل «وزیر خارجه‌ای داشتیم که در برابر آن همه کشته منا سکوت کرد و همچنان با «برادران سعودی» ممانسات می‌کرد!» مثل «از صدر رحمت به ما که برجام بی‌فرجام در زمان دولت اعتدال کلید خورد!» مثل «در دولت ما بزرگ‌ترین «بیز» را فی‌الواقع در میان خود اصحاب کلینته پیدا می‌کنی یا دولت تدبیر؟!» و مثل خیلی جمله‌های دیگر! والله رؤسای جمهور قبلی، تا ۶ ماه، فوفش تا یک سال، همه مشکلات را گردن دولت قبل از خود می‌انداختند اما دولت اعتدال، حقا که در این زمینه هم اهل گشایش! بوده است! طرفه حکایت اینجاست؛ اصحاب نقد، ویژه از خود جبهه اصولگرایی، و به دور از هرگونه جناح‌گرایی، بارها و بارها معایب دولت قبل را همان زمان دولت قبل برشمردند بودند.

بدعتی این دولت نهاده که دیر نیست گریبان خودش را بگیرد. کدام بدعت؟ همین که بعد از ۳ سال استقرار در قوه اجرا، هنوز هم از زیر بار پاسخگویی فرار می‌کند و تقریباً همه مشکلات را می‌اندازد گردن دولت قبلی! شگفتا! وارد سال آخر دولت یازدهم شده‌ایم اما همچنان آقای روحانی و شرکا به جای جوابی درست و درمان به دهها بلکه صدها سؤال مردم و اصحاب نقد انگشت اتهام را روانه دولت قبل می‌کنند! ناگفته پیداست که دولت قبلی مثل همه این دولت‌ها محسنتات و معایبی داشته یا بهتر بخواهیم بگوییم؛ محسنتات ویژه و معایب ویژه‌ای داشته که خدا را شکر به شهادت مندرجات‌مان در همین روزنامه، هم معایب آن را نقد کرده، هم محسنتات را برشمردیم، لیکن فی‌الحال وارد آخرین سال دولت یازدهم شده‌ایم و خوب است آقای روحانی و شرکا هر ساعت صبح که از خواب بلند می‌شوند همین مختصر را در گوش خود زمزمه کنند که «وارد آخرین سال دولت یازدهم شده‌ایم» و اصلاً حالت خوشی ندارد که هنوز هم مثل نخستین ماه‌های دولت اعتدال، توپ تقصیر را شوت کنیم در زمین دولت ماضی! این بازی اما اشکناک دارد و سرکشستنا! آنجا که رئیس جمهور بعدی هم می‌تواند مثل آقای روحانی و شرکا، علی‌الدوام از جواب طفره برود و هرچه از او سؤال پرسیدی، کم‌کاری و کج‌کاری همین دولت فعلی را به رخ خلق الله بکشد! باور بفرمایید کار از غبطه و حسرت گذشته است! گاهی رسماً حسادت می‌کنم به آسانی و سهولت کار دولت بعد، اگر که قرار است مثلاً رئیس‌جمهور آن دولت، همین رویه جناب روحانی را پیش بگیرد از او سؤال خواهیم کرد درباره رکود، جواب خواهد داد: «مقصر رکود من هستم یا قبلی‌ها که ۴ سال تمام خوردند و خوابیدند و بی‌سابقه‌ترین رکود ممکن را باعث شدند؟!» از او سؤال خواهیم کرد درباره مسکن، جواب خواهد داد: «بروید اظهارات آقای آخوندی درباره مسکن مهر را بخوانید و لذت ببرید از این همه بد و بیراهه!» از او سؤال خواهیم کرد درباره بیکاری، جواب خواهد داد: «دولت اعتدال در باب اشتغال، ویرانه‌ای برای ما باقی گذاشته که تنها می‌توانم ابراز شرمندگی کنم!» چند ماه، بلکه چند سال صبر می‌کنیم و باز، همین سوالات را تکرار می‌کنیم، دوباره با همان پاسخ‌ها مواجه می‌شویم! و تازه کلی چیز هم روش! کلی چیز مثل «حقوق نامتعارف به شکل انبوه و گسترده و رویکردی، از دولت اعتدال کلید خورد!» مثل «وزیر خارجه‌ای داشتیم که در برابر آن همه کشته منا سکوت کرد و همچنان با «برادران سعودی» ممانسات می‌کرد!» مثل «از صدر رحمت به ما که برجام بی‌فرجام در زمان دولت اعتدال کلید خورد!» مثل «در دولت ما بزرگ‌ترین «بیز» را فی‌الواقع در میان خود اصحاب کلینته پیدا می‌کنی یا دولت تدبیر؟!» و مثل خیلی جمله‌های دیگر! والله رؤسای جمهور قبلی، تا ۶ ماه، فوفش تا یک سال، همه مشکلات را گردن دولت قبل از خود می‌انداختند اما دولت اعتدال، حقا که در این زمینه هم اهل گشایش! بوده است! طرفه حکایت اینجاست؛ اصحاب نقد، ویژه از خود جبهه اصولگرایی، و به دور از هرگونه جناح‌گرایی، بارها و بارها معایب دولت قبل را همان زمان دولت قبل برشمردند بودند.

دوامه در صفحه ۵

سقوط نخستین لانه داعش با ورود فرماندهان ارشد ارتش و حشد الشعبی عراق به ساختمان فرمانداری

فلوج‌ها آزاد شد

ادامه عملیات پاکسازی در مناطق حاشیه‌ای شهر



هدف آمریکا از حفظ برجام چیست؟
استحاله امنیت اقتصادی ایران
ساماندهی شبکه غربرگا
اما در ایام تحریم دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟ در ۱۰ سال اخیر بستری تحولات پیشرو اقتصادی از حوزه «فت و گاز» و صنایع وابسته همچون «پتروشیمی»، به بخش «فناوری اطلاعات» و شرکت‌های اروپایی و عربی به شرکای تجاری ایران و تشکیل شبکه اقتصادی مستقل از سیاست‌های آمریکا برای ایران امکانی قابل تامل ایجاد کرد و برای ایالات متحده «خوراکننده» بود.
نفعات اقتصاد پسابر جام
خواجهم‌پور و همکاران ناپاکی وی با همین استدلال تلاش بسیاری را برای به ثمر رسیدن «توافق» میان ایران و آمریکا با هدف باز شدن مسیر نفوذ در اقتصاد و سیاست ایران در دستور کار قرار دادند و موفق شدند با مدیریت و تأمین مالی راکفلرها و جورج سوروس و صهیونیست‌ترین سیاستمداران نئولیبرال آمریکا، اجاعی غربی در حمایت از «برجام» ایجاد کنند. با این احتساب هدف از «تفاهات توافق هسته‌ای» از ابتدا نیز کاهش تحریم‌ها به نفع اصول راهبردی جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های متنوع، تأکید دارند با اصلاحات صورت گرفته «برجام» نقض نخواهد شد.
اکنون سؤال اصلی این است: اگر «خصوصیت» میان ایران و آمریکا به حدی رسیده که وزارت امور خارجه ایران درخواست روایت سفر ۳ نماینده آمریکایی را با جنگ روانی گسترده، پاسخ می‌دهد و آمریکایی‌ها نیز مطابق روال گذشته به سیاست «افزایش تحریم‌ها» متوسل باقی مانده، چه‌اصراً به «حفظ برجام»؟ سوز صهیونیست‌ترین سیاستمداران ایران کشور وجود دارد؟!
مخاطرات شبکه ضد تحریمی
یک سال پیش از انعقاد برجام، بیژن خواجهم‌پور خوبی، مشاور مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، مالک مجموعه شرکت‌های آتیه و گروهی از شرکت‌های نفت و گاز ایرانی، داماد خاندان نمازی، شریک قدیمی شاهزادگان سعودی در بازار بورس و نفت ایران، از فتنه‌گران دستگیرشده در جریان انتخابات ۸۸ و جاسوس دوجانبه آمریکایی و انگلیس به شهادت اسناد ویکی‌لیکس، پس از فرار از کشور و جایگزین شدن در اندیشکده وودرو ویلسون دانشگاه پرینستون، با مشارکت تربیت پارسی و رضا مرعشی از مدیران تشکیلات امنیتی ناپاک، چند گزارش مفصل به کنگره آمریکا ارائه کرد که در آن ثابت کرده بود ادامه روند فعلی تحریم‌ها به رشد نامحسوس بازوان منطقه‌ای و فرماندهی‌های تجاری و سیاسی نظام منجر می‌شود. اشاره وی به

بین‌الملل دیگر هیچ اندیشمند، سیاستمدار یا دیپلماتی از تجربه «برجام» به عنوان مقدمه حرکت به سمت «صلح جهانی» یا «آشتی ایران و آمریکا» صحبت نمی‌کند و مرحله ارائه تحلیل‌های پس‌برجامی عمیق همراه با پرده‌برداری از تهدیدات جدی برجام علیه ایران و تهدید جریان مقاومت منطقه‌ای حتی در آمریکا و اروپا نیز رسمیت یافته است. اندیشکده بروکینگز «غنی‌سازی صنعتی» را آرزوی دست نیافتنی ایران با توجه به مفاد برجام برمی‌شمارد و هدف از انعقاد آن را توقف حمایت ایران از حزب‌الله، حوثی‌های یمن و اقدامات‌شان در شرق عربستان و بحرین برمی‌شمارد و از «حمله نظامی ساده‌تر» در دوره پس‌برجام به ایران خبر می‌دهد.
لایحه گسترش تحریم ایران (ISA) نیز به بهانه نقض «امنیت ملی» و «منافع آمریکا» در حوزه سیاست خارجی، پس از چند بار اصلاح و رفت و برگشت میان سنای و کنگره، در آستانه تصویب قرار گرفته است. جالب اینجاست که سیاستمداران آمریکایی در حالی این لایحه را ذیل برنامه «اصلاحات در خاورمیانه» به شور می‌گذارند که به‌رغم افزایش بی‌سابقه تحریم‌ها ضد ایران در حوزه‌های متنوع، تأکید دارند با اصلاحات صورت گرفته «برجام» نقض نخواهد شد.
اکنون سؤال اصلی این است: اگر «خصوصیت» میان ایران و آمریکا به حدی رسیده که وزارت امور خارجه ایران درخواست روایت سفر ۳ نماینده آمریکایی را با جنگ روانی گسترده، پاسخ می‌دهد و آمریکایی‌ها نیز مطابق روال گذشته به سیاست «افزایش تحریم‌ها» متوسل باقی مانده، چه‌اصراً به «حفظ برجام»؟ سوز صهیونیست‌ترین سیاستمداران ایران کشور وجود دارد؟!
مخاطرات شبکه ضد تحریمی
یک سال پیش از انعقاد برجام، بیژن خواجهم‌پور خوبی، مشاور مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، مالک مجموعه شرکت‌های آتیه و گروهی از شرکت‌های نفت و گاز ایرانی، داماد خاندان نمازی، شریک قدیمی شاهزادگان سعودی در بازار بورس و نفت ایران، از فتنه‌گران دستگیرشده در جریان انتخابات ۸۸ و جاسوس دوجانبه آمریکایی و انگلیس به شهادت اسناد ویکی‌لیکس، پس از فرار از کشور و جایگزین شدن در اندیشکده وودرو ویلسون دانشگاه پرینستون، با مشارکت تربیت پارسی و رضا مرعشی از مدیران تشکیلات امنیتی ناپاک، چند گزارش مفصل به کنگره آمریکا ارائه کرد که در آن ثابت کرده بود ادامه روند فعلی تحریم‌ها به رشد نامحسوس بازوان منطقه‌ای و فرماندهی‌های تجاری و سیاسی نظام منجر می‌شود. اشاره وی به

دوامه در صفحه ۵

فاز جدید دستمزدهای جنجالی مدیران دولتی با بندهای عجیب فیش حقوقی مدیران صندوق توسعه ملی

حقوق ناقابل ۵۷ میلیونی!



ثبت شکایت از آمریکا در پی سرقت ۲ میلیارد دلاری

سروزی: علتی برای توقیف اعلام نشده است

اعتراض به توقیف سایت جهان نیوز

ترکیدگی لوله گاز در شمال غرب تهران به ۵ ساختمان شبکه برق و مخابرات خسارت زد و جان ۲ نفر را گرفت

انفجار مهیب در شهران!

آیا روشنفکری در ایران مرده است؟

محمد مهدی داماد

پس از یک دهه مطالعه درباره جریان‌های روشنفکری در ایران مدت‌ها با این مسأله مواجه بودم که جریان روشنفکری در ایران با بیماری صعب‌العلاجی مواجه شده است. اگر گفته می‌شود روشنفکری در ایران به دلیل غریب‌زدگی از ابتدا بیمار متولد شد اما امروز مشکلات این پدیده حتی افزون شده است. اگر نسل‌های پیشین روشنفکری در ایران افراد تحصیل‌کرده و باسوادی بودند که البته شناخت درستی از جامعه ایران نداشتند و ضمن داشتن مایه‌های غریب‌زدگی نسخه‌های نادرست برای جامعه تجویز می‌کردند اما جامعه امروز ایران با قشری بی‌سواد مواجه است که «روشنفکران خودخوانده» هستند. این قشر جدید به دلیل بی‌مایگی‌ای که دارد و خود نیز به آن واقف است دست به اقداماتی می‌زند تا از طرق نامتعارف کسب شهرت کند و به‌زعم خود هر صدساله را یک شبه طی کند. آنها می‌دانند مسیر روشنفکری واقعی و اصیل راه پرمشغله و زمانبری است که به دهها تلاش و ریاضت و مطالعه نیاز دارد لذا سراغ این مسیر که شهرت آن هم بسیار دیرپازده است و اساساً معلوم هم نیست که روی دهد، نمی‌روند و به میانبرها روی می‌آورند. مثل معروف تاریخی این دست شهرت‌ها برادر حاتم طایی است. او زمانی که دید نمی‌تواند شهرت و محبوبیت حاتم را کسب کند آن کار را در چاه زمزم کرد تا نامش در تاریخ بماند. امروز نیز ما با نسل عجول و بی‌حوصله‌ای مواجه هستیم که برای رسیدن به شهرت دست به هر اقدامی می‌زنند. نمونه این موارد این روزها گاهی در صفحه شخصی افراد در پیام‌رسان‌هایی مانند اینستاگرام، تلگرام و... مشاهده می‌شود. در حقیقت از مهم‌ترین دلایل سقوط روشنفکری در دوران امروز وجود قشری از افراد بی‌مایه و سطحی است که ادا و اطوار روشنفکری درمی‌آورند بدون آنکه از زمینه‌های حداقلی آن برخوردار باشند. امروز روشنفکر اصیل و واقعی که تن به فرمایشات سرسرمایه‌داری نمی‌دهد یا با رسانه‌هایی که به نظام سلطه تعلق دارند کار نمی‌کند، گمنام می‌ماند. امروز دیگر مهم نیست از چه سطحی از اندیشه و دانش و هنر برخوردار باشی؛ مهم خودفروشی و سرسپردگی به الیگارشی، نظام سلطه و سرمایه‌داری است.

دوامه در صفحه ۵

آگهی مناقصه عمومی
یک مرحله‌ای
شماره مناقصه:
۹۵/۰۳-۰۲-۳۷
صنایع شهید باقری
م الف ۸۶۰

www.vatanemrooz.ir